

دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی برای زنان

فاطمه مقیمی^۱

چکیده

جامعه برای باروری و پویایی در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، نیازمند نیروی عظیم زنان است. هر فرد بر اساس حق طبیعی و انسانی خود، حق دخالت در سرنوشت اجتماعی خود را دارد. بنابراین، زنان نیز علاوه بر ایفای نقش خانوادگی باید در جامعه حضوری فعال و مؤثر داشته باشند تا به نوبه خود در رهیافت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تأثیرگذار باشند. با تغییر نگرش نسبت به زن در جریان انقلاب اسلامی، زنان توانستند حضور پررنگی در عرصه فرهنگی پیدا کنند. بنابراین هدف از انجام این تحقیق، بررسی دستاوردهای انقلاب اسلامی برای زنان با استفاده از روش توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه ای فراهم بوده است. از مهمترین یافته ها در این تحقیق می توان به شناسایی نقش های بانوان در حوزه فرهنگ و مدیریت فرهنگی جامعه اسلامی است که بسیاری از بانوان به برکت اسلام و انقلاب اسلامی در عرصه های مختلف علمی، دینی به عنوان اساتید و مدیران فرهنگی توانمند، در حال فعالیت در جامعه اسلامی و توسعه تمدن نوین اسلامی هستند. بانوان با آموزش و تربیت فرزندان شایسته، تبلیغ و تبیین آموزه های دین، معارف و ارزش های اسلامی در جامعه، فعالیت های علمی و پژوهشی گامی مهم و ارزشمند در دفاع فرهنگی از ارزش ها و باورهای اصیل اسلام و انقلاب و بالتبع در احیاء و بالندگی تمدن نوین اسلامی برداشته اند و در این مسیر نقش تسهیل گری دارند.

کلیدواژه ها: زنان، انقلاب اسلامی، فرهنگ.

^۱. حوزه علمیه زینبیه (سلام الله علیها)، شهرستان: زهک. شماره تماس طلبه: ۰۹۰۴۴۰۴۷۰۰۱

حضور استوار زنان را در صحنه های قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می توان دید. زنان ، نه تنها در پیروزی انقلاب اسلامی سهم بزرگی ایفا کردند، بلکه در تثبیت نظام جمهوری اسلامی و تداوم انقلاب اسلامی حرف نخست را زدند و با حضور در صحنه گوناگون انقلاب اسلامی ، توطئه های دشمنان را نقش بر آب ساختند. زن ایرانی که بر اساس اعتقادات مذهبی، زمینه های لازم را داشت به برکت روشنگری ها و راهنمایی های امام خمینی از حاشیه به متن جامعه آمد. جامعه زنان مسلمان و متعهد ایرانی برپایه ایمان و عفت و صبر و هوش، حقیقت را دریافت کرد و با تلاشی روزافزون درصدد جبران عقب ماندگی های گذشته برآمد. ارتقای حقوق و کرامت انسانی زنان و توانمندسازی آنان از جمله پیش شرط های لازم برای توسعه جامعه ایرانی در تمامی دستگاه ها و قوانین مربوطه ذکر شده است، بنابراین هجده ها و تبلیغات غربی نتوانسته جایگاه زنان را در نظام جمهوری اسلامی ایران تقلیل دهد و روز به روز زنان در جامعه ایرانی در زمینه های مختلف علمی، سیاسی، مدیریت های اجتماعی و فرهنگی درخشانند. سهم زنان در تحولات جامعه بر هیچ کس پوشیده نیست، وضعیت اجتماعی زنان ایران در طول تاریخ پرفراز و نشیب این مرز و بوم، دستخوش تغییر و تحولات فراوان بوده است. انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (رحمه الله علیه) تحولی اساسی و شگرف در وضعیت زنان جامعه ایران پدید آورد، انقلاب اسلامی جایگاه و منزلت زنان را اعتلا بخشید و دامنه مشارکت آنان را گسترش داد. دین اسلام شأن و جایگاه والایی برای زنان قائل است، بر همین مبنا یکی از مهم ترین افتخارات و دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران، هویت بخشی به زنان است که نیمی از جمعیت کشورمان را تشکیل می دهند.

مشخص شدن جایگاه واقعی زن مسلمان در خانه و اجتماع یکی از دستاوردهای فرهنگی انقلاب بود. با توجه به خودباختگی فرهنگی و رواج ارزش های غربی در عصر پهلوی، هویت اسلامی زن مسلمان ایرانی مورد تهدید واقع شده بود. در جامعه به تدریج فرهنگ برهنگی و بی عفتی رواج می یافت و از فعالیت های اجتماعی و مفید زنان کاسته می شد.

۱. مفهوم شناسی

الف. مفهوم فرهنگ

واژه فرهنگ در لغت معادل فرهنگ به معنای علم، دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت. آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت است.^۱ فرهنگ به معنای ادب، تربیت و دانش و علم و معرفت است.^۲

در تعریف اصطلاحی فرهنگ عبارت است از: پذیرش‌های هنجار یافته اجتماعی؛ البته مراد از پذیرش، پذیرش‌های نظری و عملی توأم با یکدیگر است نه پذیرش، صرفاً به عنوان قبول یا اعتقاد به یک مسئله.^۳

در واقع فرهنگ به معنای ارتکازاتی است که در جامعه پیدامی‌شود؛ یعنی پذیرفته‌شده‌های یک جامعه در موضوعاتی که به تفاهم می‌رسند. هر رفتار و اعتقاد و یا طرز تفکری که در جامعه مورد پذیرش اجتماعی واقع شود. بنابراین کل قابلیت‌ها و آنچه که جامعه می‌پذیرد و عادت و رسوم می‌شود، فرهنگ نام دارد.^۴

در بیانی دیگر فرهنگ، ویژگی زندگی انسان با جنبه جدا کننده وی از حیوان است، چون انسانیت انسان در چهار ساحت ارتباط با جهان طبیعت، اجتماع، خود و خدا گسترش دارد. نگاهی که انسان به این ساحت‌ها دارد و کرداری که بر اساس آن انجام می‌دهد، فرهنگ انسان را شکل می‌دهد. بنابراین اصطلاح فرهنگ مفاهیم متنوعی است و در سیر تاریخی خود، معانی مختلفی را به خود گرفته است که در نهایت می‌توان گفت فرهنگ، همان ارزش‌ها و باورها و اصول حاکم بر جامعه است و نقش آن در توسعه و پیشبرد جامعه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.^۵

ب. مفهوم انقلاب اسلامی

واژه انقلاب معادل کلمه «Revolution»، برگرفته از کلمه «Revolutio - on» و ریشه «Revolver» است. این واژه ابتدا از اصطلاحات اخترشناسی بود که به تدریج در علوم طبیعی اهمیت یافته و سپس برای نخستین بار در سده هفدهم، به صورت یکی از اصطلاحات سیاسی به کار گرفته شد.^۶ در فرهنگ فارسی عمید، انقلاب به معنای

۱. عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۱۸۹

۲. معین، فرهنگ فارسی، ص ۲۰۱

۳. پیروزمند، مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی، ص ۱۱۱

۴. بهداروند، دستاوردهای فرهنگی دفاع مقدس و آفت‌های تهدید کننده آن، ص ۸۴

۵. بهجت پور، درآمدی بر اصول تحول فرهنگی، ص ۴۷

۶. علی‌بابایی، فرهنگ سیاسی، ص ۱۱۱-۱۱۲

«حالی به حالی شدن، دگرگون شدن، برگشتن، تحول و تقلب و تبدل، تغییر کامل و مشخص در چیزی و یک چرخش دورانی» است.^۱

در فرهنگ مصطلح سیاسی، با همهٔ اختلاف نظرهایی که دربارهٔ تعریف کامل از پدیدهٔ انقلاب مشاهده می‌شود، ویژگی‌های عمده‌ای وجود دارد که آن را از تحولات دیگر جامعه و تغییرات اجتماعی جدا می‌کند. از آنجایی که تاکنون برای انقلاب، معنا و مفهوم جامع و مانعی ارائه نشده، برای آشنایی با تعریف این پدیده، برخی از تعریف‌های اندیشمندان با توجه به ابعاد مختلف آن بیان شده است: ساموئل هانتینگتون یکی از نویسندگان معاصر، انقلاب را به مثابهٔ «یک تحول داخلی سریع، اساسی و خشونت‌آمیز در ارزش‌ها و اسطوره‌های حاکم بر جامعه و در نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری و فعالیت‌ها و سیاست‌های دولت» تعریف کرده و آن را از دیگر انواع بی‌ثباتی سیاسی نظیر کودتا، شورش‌ها و طغیان‌های اجتماعی و جنگ‌های استقلال طلب متمایز می‌سازد.^۲ همچنین در تعریف دیگر، انقلاب از لحاظ سیاسی «به حرکت مردمی گفته می‌شود که نظام سیاسی یک کشور را از میان برمی‌دارد و نظام جدیدی را جایگزین آن می‌کند».^۳

استاد شهید مرتضی مطهری در تعریف انقلاب گفته است: «انقلاب عبارت است از: طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظم مطلوب»؛ از این رو ایشان ریشهٔ انقلاب را دو چیز دانسته‌اند: ۱- نارضایتی و خشم از وضع موجود ۲- آرمان یک وضع مطلوب. در هر انقلابی نفی و اثبات وجود دارد (نفی وضع موجود و اثبات وضعیت مطلوب).^۴

انقلاب به معنای تحول سریع، شدید و بنیادین ناشی از وقوع طغیان عموم مردم در اوضاع و احوال سیاسی جامعه و در نتیجه، جایگزینی یک نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی به جای نظام دیگر می‌باشد. با توجه به این تعریف از انقلاب و نیز با عنایت به این مطلب که مراد از اسلام، به عنوان یک دین، مجموعه‌ای از معارف است که از طرف خداوند برای هدایت و استكمال انسان‌ها نازل گردیده و به وسیله رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به نوع بشر ابلاغ شده است، به آسانی می‌توان به تعریفی از انقلاب اسلامی دست یافت. هرچند که تعریف‌های ارائه شده در این زمینه، از حیث عبارت، تفاوت‌هایی را با یکدیگر دارند؛ لیکن بنای اکثر این تعاریف بر آن مفهومی از دو واژه «انقلاب» و «اسلام» استوار شده است که در بالا اشاره گردید. کلیم صدیقی در تعریف انقلاب اسلامی می‌نویسد: «انقلاب اسلامی عبارت است از حرکت امت مسلمان در جهت تغییر نظام غیر اسلامی موجود و جایگزین نمودن

۱. عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۱۷۶

۲. هانتینگتون، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ص ۳۸۵

۳. طلوعی، فرهنگ جامع سیاسی، ص ۱۹۱

۴. مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۲۹

یک نظام جامع و کامل اسلامی به جای آن؛ همچنین تلاش برای اجرای مقررات، قوانین و برنامه‌های اسلامی در کلیه شؤون زندگی خویش (یعنی امت)^۱».

شهید مرتضی مطهری نیز معتقد است که: «انقلاب اسلامی راهی است که هدف آن، اسلام و ارزش‌های اسلامی می‌باشد و انقلاب و مبارزه، تنها برای برقراری ارزش‌های اسلامی انجام می‌گیرد. در این صورت انقلاب اسلامی متفاوت با اسلام انقلابی خواهد بود، زیرا در صورت اخیر، انقلاب و مبارزه هدف خواهد بود و نه وسیله، برخلاف صورت نخست که مبارزه و انقلاب، وسیله است نه هدف^۲».

۲. جایگاه فرهنگی زنان در انقلاب اسلامی

در باب پیشینه تاریخی حیات سیاسی اجتماعی بانوان، این واقعیت تلخ وجود دارد که غیر از دوره‌های کوتاه صدر اسلام و در عصر رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه هدا (علیهم السلام) که برخی آموزه‌های اسلام در مورد نقش فرهنگی زنان جاری گردید، در سایر اوراق تاریخ زندگی بشر، چهره غالب، ظلم‌هایی است که بر زنان روا داشته اند! آنچه نصیب زنان گشته، تلخی و مرارت و فشار سیاسی ناشی از تبعیض و بی عدالتی بوده است. پس از آن دوره کوتاه اما درخشان صدر اسلام که ایام زنده کردن حقوق زنان در مراحل آغازین بود و جامعه اسلامی این امر مقدس را تجربه کرد، بار دیگر جاهلیت، سایه‌های ناخجسته خویش را گستراند و مقاومت در برابر حقوق اجتماعی زن آغاز گردید. در ایران قبل از انقلاب اسلامی، آن دسته از زنان که می‌خواستند تدین و عفاف خود را حفظ کنند، از دست یازیدن و نزدیک شدن به مسائل و امور اجتماعی دوری می‌کردند، اما در انقلاب اسلامی، رهبر کبیر و معمار این تحول بزرگ، طرحی نو در افکند و زمینه‌هایی را فراهم ساخت تا زنان در این نهضت عظیم، نقشی بس ارزنده و حتی مهم‌تر از مردان داشته باشند، بدین گونه، بار دیگر با الهام از تعالیم آسمانی اسلام و نگاه فراگیر امام خمینی (رحمه الله علیه) زنان در عرصه‌های انقلابی و میدان‌های سیاسی و اجتماعی حضور آشکار و عمیق و تأثیرگذار، از خود به یادگار نهادند، به گونه‌ای که چنین تحوّل، دشمنان و بوق‌های تبلیغاتی استکبار را به شگفتی و حیرت وا داشت^۳.

مقام معظم رهبری نقش بانوان را در پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن مهم و اساسی دانسته اند: «آنچه که در این انقلاب در باب زن اتفاق افتاد آن چیزی است که خود زن‌ها گفتند، آن هم نه با زبان، بلکه در عمل. زنان در این انقلاب سهم بسیار مهمی را عهده دار شدند... اولین تظاهراتی که در سطح کشور به صورت علنی و خصمانه

۱. صدیقی، نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ص ۴۹

۲. مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ج ۲۴، ص ۱۷۲

۳. دفتر مقام معظم رهبری (مدیریت ویژه نشر آثار)، زن از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۶۵.

الگوپذیری از مدیران فرهنگی دینی احتیاج دارند. الگوهایی همچون حضرت فاطمه و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) که در محیط‌های گوناگون فردی و اجتماعی به درستی ایفای نقش کرده اند.^۱

ف. ایفای نقش موثر در پیروزی

انقلاب اسلامی ایران ویژگیهایی دارد که در مجموع این انقلاب را در میان همه انقلابهای جهان بی‌نظیر و بی‌رقیب ساخته است. یکی از آن ویژگیها، قطعاً ذی‌سهم‌بودن بانوان است.^۲

با روشن‌شدن اولین شعله‌های انقلاب که زمینه‌های آن در راهپیماییها و تظاهرات و فعالیتهای سیاسی سال ۱۳۵۷ شکل گرفته بود، زن ایرانی که قبل از آن تنها ایفاگر نقشی بسیار ساده و ناقص بود، حصار بی‌بندوباری را در هم شکست و پای به میدان علم و عمل گذاشت و سیاستهای فرهنگ استعماری را که موجودیت او را نادیده گرفته بود، زیر پا گذاشت. زنان در تاریخ انقلاب اسلامی ایران همواره به منزله بازوان توانمند انقلاب و برانگیزاننده شعله‌های فروزان آن به شمار آمده‌اند و نقش آنان در انقلاب اسلامی بسیار عظیم تلقی شده است؛ چنانکه امام‌خمینی(ره) فرمودند: «در این نهضت زنان حق بیشتری از مردان دارند».^۳

۱. سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، ص ۸۷

۲. خمینی، صحیفه نور، ص ۱۲۴

۳. مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ج ۱۶؛ ص ۱۲۵

نتیجه گیری

جامعه برای باروری و پویایی در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، نیازمند نیروی عظیم زنان است. هر فرد بر اساس حق طبیعی و انسانی خود، حق دخالت در سرنوشت اجتماعی خود را دارد. بنابراین، زنان نیز علاوه بر ایفای نقش خانوادگی باید در جامعه حضوری فعال و مؤثر داشته باشند تا به نوبه خود در رهیافت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تأثیرگذار باشند. مشارکت زنان در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها و استفاده از آراء، افکار و اندیشه های آنان سبب می شود که زنان از حالت انفعالی خارج شده و به صورت یک عنصر فعال در عرصه های اجتماعی ظاهر شوند. با این که اسلام بر فعالیت های اجتماعی زنان تأکید داشته و نمود عینی آن در پیروزی انقلاب و پس از آن به نحو چشمگیری افزایش داشته است؛ اما بزرگ ترین مانع برای حضور بیشتر زنان در صحنه های سیاسی و اجتماعی را می توان در عوامل فرهنگی جستجو کرد. در بسیاری از موارد، باورهای غلط و ملاحظات نادرست اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی است که مانع از مشارکت اجتماعی زنان می شود. البته عوامل ثانویه مانند جامعه پذیری نیز به این نقیصه دامن می زند. در این میان، نظام آموزشی و رسانه های جمعی می توانند ضرورت حضور زنان در صحنه های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی، خدماتی و... را تبیین و تصورات غلط و گرایش های افراطی و تفریطی را بزدايند و بستر مناسب را برای مشارکت فعال زنان فراهم آورند؛ به طوری که هم به گوهر گرانبهای زنان آسیب نرسد و هم وظایف و نقش های خارج از توان روحی و جسمی بر آنها تحمیل نشود.

امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب با عدم پذیرش نگاه سنتی نسبت به زن و ایجاد نگرشی نو، زمینه رهایی زنان از بند باورهای غلطی که در ساحت دین ریشه دوانده بود را مهیا نمود تا زنان با پی بردن به ارزش واقعی خویش توانایی های بالقوه خود را در عرصه های مختلف به خصوص عرصه مبارزه به منصف ظهور برسانند.

با پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی تا حد زیادی فرصت های برابری را برای زنان و مردان برای ایفای نقش در مسئولیت های بالای مملکتی در نظر گرفت. بنابراین با وجود چنین نظام حقوق سیاسی و همچنین فرهنگ سیاسی مشارکتی، شرایط مهیا گشت که زنان بتوانند حضور خود را در عرصه های مختلف به خصوص در عرصه فرهنگی و سیاسی به اثبات برسانند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم

۲. بانکی پور فرد، امیرحسین و مرجان کاظم زاده عطوفی، آیین زن: مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری، ناشر: کتاب طه (وابسته به موسسه فرهنگی طه)، ۱۳۸۱
۳. بهجت پور، عبدالکریم، درآمدی بر اصول تحول فرهنگی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸
۴. بهداروند، محمد مهدی، دستاوردهای فرهنگی دفاع مقدس و آفت‌های تهدید کننده آن، قم، کتاب فردا، ۱۳۹۳
۵. بهرامی، فاطمه، «جایگاه زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی ترویجی بانوان شیعه، سال ۵، شماره ۱۸، ۱۳۸۷
۶. پیروزمند، علیرضا، مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی، قم، تمدن نوین اسلامی، ۱۳۹۵
۷. تابلی، حمید، شکوه سلجوقی زهرا، نجفیان مهدی، مبانی و فلسفه مدیریت اسلامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات آژین مهر، ۱۳۹۳
۸. حسینی، محمد عارف، رویارویی تمدن اسلامی و مدرنیته: بررسی نظرات مختلف در رویارویی تمدن غرب، قم مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۱
۹. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، تحقیق و تنظیم: محمود لطیفی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹.
۱۰. _____، عبدالله، نسبت دین و دنیا، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۱۱. حزب جمهوری اسلامی، چهار سال با مردم / مجموعه کامل سخنان آیت الله خامنه ای در چهار سال اول ریاست جمهوری، شرکت افست (چاپخانه ۱۷ شهریور)، ۱۳۶۴.
۱۲. خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، ج ۱۷، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱

۱۳. دفتر مقام معظم رهبری (مدیریت ویژه نشر آثار)، زن از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای به انضمام بیانات و گفتگوی صمیمانه در جمع دختران و بانوان، ناشر: بیطرفان، ۱۳۸۵.
۱۴. رحمانیان، زهرا، نقش پشتیبانی رزمی زنان در دفاع مقدس، جلد دوم، تهران، سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج کنگره نقش زنان در دفاع و امنیت، ۱۳۷۳.
۱۵. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
۱۶. سالاری فر محمد رضا، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۱۷. صالحی امیری، سید رضا، عظیمی دولت آبادی امیر، مبانی سیاست گذاری و برنامه ریزی فرهنگی، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۹. طلوعی، محمود، فرهنگ جامع سیاسی، تهران: نشر علم، ۱۳۷۲.
۲۰. علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ سیاسی، تهران: آشیان، ۱۳۸۲.
۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران، نشر کتاب سیاسی، ۱۳۷۱.
۲۲. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶.
۲۳. فرهنگ و تهاجم فرهنگی برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای، ناشر: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۴. کلیم صدیقی، نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ناشر: اطلاعات، ۱۳۷۹.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۶. مافی، پروانه، «مشارکت سیاسی زنان در ایران»، مجله ندا، شماره ۴۰ و ۳۹، ۱۳۸۲.
۲۷. متن کامل بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه تهران، مجله / افق حوزه / ۱۰ تیر ۱۳۸۸ - شماره ۲۳۴.

۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، المكتبة الاسلاميه، ۱۳۷۴
۲۹. محمدی مزرعه شاهی، مجتبی، جعفری نیسیانی، احسان؛ نقش زن و خانواده در جامعه و شکل گیری سبک زندگی ایرانی اسلامی، بوشهر: سفیران مبین. ۱۳۹۳.
۳۰. مصفا، نسرین، «نقش مشارکت سیاسی در توانسازی زنان»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۸، شماره ۳، ۱۳۷۳،
۳۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۸، تهران، صدرا، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش.
۳۲. _____، پیرامون انقلاب اسلامی، قم: صدرا، ۱۳۶۲
۳۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ یازدهم، تهران، سپهر، ۱۳۷۶
۳۴. موسوی غروی، سید محمدجواد، جمعه ها و خطبه ها، اصفهان: نشر جمعه، ۱۳۸۴.
۳۵. مهرانگیز کار، مشارکت سیاسی زنان موانع و راهکارها، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۰
۳۶. نوری همدانی، حسین، جایگاه بانوان در اسلام، انتشارات مهدی موعود، ۱۳۹۲
۳۷. هانتینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علم، ۱۳۷۵
۳۸. ولایتی، علی اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ سوم، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴